

مردان آزاد

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: داور نماینده دارالشورای ملی

قیمت ام

عطری

صند دوم و نجوم

صند چهارم

محل اداره: طهران خیابان لاله زار - کوچه اتحادیه

برای تشریح

اطافتهای کبریا و بیان شده کان زائر

جمع سابق

مبوسات آسپوریان

پرسید - مسکن است یزیدی روابط

روسی و انگلیس قطع شود صحیح است

که قطع روابط این دو ملیت متره

جنگ و محاربه است ولی جنگ بین

روسی و انگلیس منحصر به محاصره نادر

روسی خواهد بود روسیه با ندره ای

وسیع و عریض است که انگلستان اصلا

بخیان نخواهد افتاد که قشون در خاک

همسایه شمالی ما پیاده کنند. این

تربت انزلی است که بیخاک هیچ یک از

این دو قوتک سرایت نخواهد کرد

شمال دیگر که کار به روسی و

انگلیس ندارند - مثل مملکت ما -

در این خطر اند که نتایج عواقب جنگ

بیشتر شامل آنها شود.

از دو نبلبات طرفین شروع خواهد

شد احتمال هم ندارد مملکت ما

مثل چند سال قبل - میدان جنگ واقم

شود. ایران اقتصادی که امروز در

ایران حکمفرما است - سخت تر و

شدید تر خواهد شد. در حقیقت مثل

این خواهد بود که ایران یکی از محاصره

یاخته های اقتصادی است.

ولی مملکت ما - از پس اقتصاد

ضعیف و بیجان است - طاقت ندارد

خوارگی که در سال ۱۹۱۵ - ۱۹۱۸

را از سر پیوسته.

این امر به نفع است و چون واقع شود

تمام مملکت باید یک دست باشد -

هر باید یک نقطه نظر داشته باشند -

ما باید ثابت کنیم که یک ملت هستیم

و فقط در عقب یک چیز می گردیم

ما باید بهترین نوای خسود را بپسندیم

کنیم و آنها را بختیار دولت باالقائی

بگذاریم. بکشیم گفتنی های داخلی باید

بر طرف شود و یک وحدت ملی جانساز

آن گردد.

کلیت نهایی - اگر می خواهد

متمم با ایجاد تفاه در داخله شود - از

کار باید فوراً دست کشد.

این به یک خاطر مهم در پیش است. -

قبل از تظلم مجلس باید از پیش اوزرانی

نتیجه استخراج آراء
تا از دیروز غروب متوجه سورث
ذیل که از انجمن نظارت مکرری اخذ
شده آقایان ذیل حاضر اکثریات بودند اند
آقای مؤمن الملک ۱۰۹۴
آقای شهبان الدوله ۹۲۱
آقای سلیمان میرزا ۹۰۴
آقای مستوفی الاموال ۸۹۴
آقای شیخ علی مدرس ۸۲۵
آقای قهی زاده ۶۳۶
آقای مصطفی السلطنه ۵۰۱
آقای آشتیانی ۴۷۷
آقای غلامی ۴۶۱
آقای سپهرجان مدرس ۴۵۵
آقای حاجی سید ابوالقاسم کاشانی ۴۴۵
آقای سید محمد رسته همدانی ۴۴۴
آقای سید اسدالله بقرقانی ۴۳۳
آقای سید شجاع المدین ۴۳۲
آقای نصرت الدوله ۴۱۴
آقای قوام السلطنه ۳۸۳
آقای حاجی عباسعلی آقا ۳۸۹
آقای ذکاء الملک ۳۸۸
آقای سید محمد علی سلطان ۳۸۷
آقای متوالیه ۳۸۶
آقای محمود همدانی ۳۸۵
آقای طه طباطبائی ۳۷۵
آقای آقا محمد علی همدانی ۳۷۴
آقای شیخ الراهب عراقی ۳۷۳
آقای سعید آرازی ۳۶۴
آقای اسلیمی ۳۶۵
آقای وثوق الدوله ۲۴۵
آقای شیخ عابدین نوری ۲۱۷
آقای عدل الملک ۲۱۲
آقای ملک زاده ۲۰۷
آقای امیر اعلم ان ۲۰۶
آقای نادرین ۱۹۱
آقای نصر الدوله ۱۸۷
آقای بهمن ۱۶۲

تا دو روز دیگر بر خشت ایزدی
خواهد پیوست ولی لازم است عموم
هموطنان بدانند که حکومت مستوفی
علاء بر احوال و لا قیدی نسبت بامور
مملکت و تعطیل کار های دولتی و از
چریان انداختن امور تمام هم خود
را صرف پیش قدم اندازی و ضلالت بنا
قانون اساسی و حکومت ملی کرده آنچه
این شخص از تاریخی که اکثریت را
از دست داد امضای بکسی داده باشد
از درجه ابیار ساقط و غیر رسمی
است.

خروج اقلیت
جلسه دیروز نمایشی بود عده
و کلا که در جلسه حضور داشتند ۷۸ نفر بودند
یک نفر از طرف اکثریت در
وضعیات حاضره و عدم اعتماد اکثریت
بدولت وقت اظهاراتی نمود
به اقلیت لجاجت و گستاخیه تا چند
روز پیش مدعی اکثریت بودند از
مجلس خارج شدند و مجلس را از
رسمیت انداختند و اظهارات
این حرکت دوغوشه را گفلا
روشن کرد اولاً بطور رسمی و علی
الشکار شد که دولت پیش از ۷۸ نفر
مواقف قلبی ندارد زیرا از عده ۷۸
نفر که فقط ۲۵ نفر از مجلس خارج
شده و ۵۱ نفر تا جانانه اظهاراتیکه
بر علیه دولت وقت میشد در ظالار
ایران توجیه نمودند
اینجا ثابت شد که مستوفی الاموال
و بی طرفداران جدی او بجز
تاریخات اساسی و نظایات مجلس یک
نقطه ای نیستی و دیگری دارند
که باها امر کرده اند حیثیت مجلس
و مشروطیت و قانون را پشت پا
بزنند و یک حکومت غیر مشروعی
را تا دقیقه آخر نگهداری نمایند
بما براسه امتحان و تجربه بعد از
این قضیه با بیستار چه از آزادیخواهان
تجزیه نگاران مهم مرکز گفتگور داریم
و آنها را از نقطه نظر اصول و
پرنسیپ نگاران و نوازنی دیدیم و تصور
نمیکیم باستنا بیه کسانی که عنوان
آزادی را برای تحصیل علوفه و
آب و نان ورد زبان ساخته و از
حکومت ارتشایه مستوفی بول و
ماموریت گرفته اند هیچ آزادیخواهی
یافت شود که نسبت بهتک اصول
مشروطیت و قانون اساسی بی علاقه
باشد و یا اینکه قانون مقدس اساسی
را فدای چشم و ابرویست مستوفی
نماید

این یک بدبختی زرگی است

برای مملکت که یک عده اجنبی پرست
و عمال سفارتخانه های خارجی بدست
مستوفی تهیه نمودند اند و حقیقتاً باید
بر حال مانی گرفتار است که اشخاص
خائن با مقدرات آن بازی کنند راستی
این یک مشکلی است که ما از افکار
سالحه حل آن را انتظار داریم آیا
اشخاص فدائی اصول میشوند اصول
فدای اشخاص م و آیا بقا از یک
چنین سابقه ننکین و لکه چریکی که
بدست مستوفی ولیدرهای پارلمانی
او بر دامان مشروطیت گذاشته شده
است انتظار دارند که دولت بعد از
این به مشروطیت و مجلس ما بازی
نکنند و اگر این بی اعتنائی است اکثریت
که واضح حقیقی قانون است ادامه
نیاید گد آبا دول مشاوره براهند
و امتیازاتیکه اکثریت یک چنین پارلمانی
آزادی اصول نباید بپذیرد و قیودی
خواهد گذاشته شود

ما مصورینی گیم

بلیک و مستقیم این ضوابط خانقانه
مستوفی و لیدرهای مرمیستش

بجای مشروطیت و طیت زدم می شود یکی
اصول مشروطیت را بخر آن کردیم

و قانون اساسی را لگدم مال نموده است
و این مناسبت خائنین مصمم شدند پیش از
این نگذارند یک چنین شخصی در اس کار
بانی بنیاد و اجازه ندهند مقدرات
قوزه فترت را چند نفر جمع در
یک سفارت خانه خارجی حل نمایند

و مملکت را مانند سال ۱۹۱۶ مرکز کشمش
روس و انگلیس قرار دهند

با این مناسبت در تعقیب جلسه
دیروز روز قه ای که حیوانی امضای اکثریت

افراد مجلس بود نوشته شد و رئیس
مخترم مجلس اطلاع داده شد که بر
طبق اصل ۹۷ قانون اساسی چون مستوفی
منعزل است از استان اعلی حضرت
همایون شاهنشاهی تقاضا شود رئیس
الوزرائی که مورد اعتماد مجلس باشد
تعمین نماید و در هر صورت مستوفی

گفتند که مستوفی الاموال

گفتند که مستوفی الاموال

گفتند که مستوفی الاموال

گفتند که مستوفی الاموال

گفتند که مستوفی الاموال

گفتند که مستوفی الاموال

گفتند که مستوفی الاموال

گفتند که مستوفی الاموال

گفتند که مستوفی الاموال

گفتند که مستوفی الاموال

گفتند که مستوفی الاموال

گفتند که مستوفی الاموال

گفتند که مستوفی الاموال

گفتند که مستوفی الاموال

گفتند که مستوفی الاموال

گفتند که مستوفی الاموال

گفتند که مستوفی الاموال

گفتند که مستوفی الاموال

گفتند که مستوفی الاموال

گفتند که مستوفی الاموال

گفتند که مستوفی الاموال

گفتند که مستوفی الاموال

گفتند که مستوفی الاموال

گفتند که مستوفی الاموال

گفتند که مستوفی الاموال

گفتند که مستوفی الاموال

گفتند که مستوفی الاموال

گفتند که مستوفی الاموال

گفتند که مستوفی الاموال

گفتند که مستوفی الاموال

گفتند که مستوفی الاموال

گفتند که مستوفی الاموال

گفتند که مستوفی الاموال

گفتند که مستوفی الاموال

گفتند که مستوفی الاموال

گفتند که مستوفی الاموال

گفتند که مستوفی الاموال

گفتند که مستوفی الاموال

گفتند که مستوفی الاموال

گفتند که مستوفی الاموال

گفتند که مستوفی الاموال

گفتند که مستوفی الاموال

المغازه شد. اولی را (دار بنی) پیشنهاد کرده و (پر پیمان) تقویت نمود و آن اظهار ناسف از ناستنای بنارلا بود. دومی را (کرزن) پیشنهاد کرده و (سوفر رودیک بانوری) تقویت نمود و آن میباعت و همراهی با انتخاب (بالدین) به سمت اهدر حزب مجسای فله کار بود دو ضمیمه فوق باقیات آراء نصوب کردید. بالدین در جواب اظهار نمود امید وارم که دیگر کسی موجبات نژاید اشغال را فراهم نپارد و من مطمئن هستم که وحدت کامل حزبی موجود خواهد بود (ر)

از مقالات وارده

واو عتوانی

امروزه مسئله مهم در دنباست تمدن افکار سیاسیون را بخود جلب کرده و در حقیقت می شود گفت که مدار صلاح و سلم عالم در روی این سه مسئله گردش می نماید اولی مسئله دهر و موضوع کشمکش بین فرانسه و آلمان است چون این مسئله دور از محیط سیاست است لذا موضوع مذاقه ما واقع نمیشود ولی در مسئله دیگر که عبارت از روابط روسیه و انگلستان و ضلع عثمانی و یونان باهمیناره توضیح عثمانی و متفقین باشد از آن جایی که از نقطه نظر منافع ایران سخنانی از اهمیت فوق العاده است و بالاخره عاقبت آن بد یا خوبت "دانش" کشور ما نیز خواهد بود بد نیست در این دو موضوع قدری بیشتر غور نماییم بدین جهت مطابق آخرین اخبار و رویدادهای عثمانی و یونان که در سر اخبارات جنگی دورهمی زده باخبره بواسطه توضیح بندرده آقاچ با عثمانی صفت کرده اند اما راجع به متفقین نیز از حین عرامت ملل عثمانی قبول کرده است که غرامت پول بوقت شده دو بیچ بانک و قیمت دو کتی جنگی سفارشی عثماتی را که بواسطه وقوع جنگ پرداخته نشده بود به متفقین داده نماید پس بنا بر مقدمات فوق باید مسئله شرق نزدیک را که بیشتر اسباب بگرانی بود حل شده بندهاش از این حال در حالتیکه صلح با عثمانی را تمام شده فرض کنیم باید این مطلب را نیز فرض شود بکنیم که عثمانی قبل از جنگ دیگر وجود خارجی ندارد بلکه دولت عثمانی حالیه یک دولت جدید، فاتح دولتی که فعلا قریب چهار صد هزار قتون مکمل در تحت سلاح دارد دولتی که یونان را از میدان جنگ و روسیه را در میدان سیاست مغلوب ساخته است میباشد

بنابر این چیزی که برای ما قابل اهمیت می باشد دانستن این مسئله است که آیا دولت عثمانی حالیه من بعد در پاره ماچه قسم سیاستی را اتخاذ خواهد کرد؟ این جا باید احساسات را قدری از گله دور کرد و حقایق را بیشتر در نظر قرار داد البته می دانیم که جنگ بین المللی دولت عثمانی را از هم متلاشی ساخت و مقدار اراضی چشم که امروزه در قسطنطنیه این همه خونریزی و فداکاری بدست آورده نمی تواند مطامع سیاسی از را در آتیه نامین نموده و جبران از دست داده های او را بنماید ولی از طرف دیگر اگر فراموش نکرده باشیم یکی از مواد مهم پاره کرام دولت آفریه که اسمش را مبتنی ملی کرده اند و عبارت از حمایت ملل ترک زبان - نه ترک نژاد - می باشد برای دور میباید است در این صورت در صورت تطبیق دو مسئله اخیر دیگر ما نمی توانیم در باب روابط آن دولت عثمانی نسبت بخود جندان نظر کنیم داشته باشیم بدین جهت که بزرگترین قدری تاریخ را ورق بزنیم جنگ عثمانی (ترکیه) در این زمانه و قریب جنگ بین المللی را مرور کنیم و تجربیات تلخ گذشته را نیز بساهاضافه کنیم آنوقت باید خواهیم دید که سیاست شوخی بر دار نیست یا من میباید و نویسمی و هو و چندان میانه قیادار مدعی و آیین و هم کوشی هم سرش نمی شود سیاست فقط یک منظور دارد آنهم عبارت از منافع خصوصی است و پس در صورت قطع باین مسئله متار از خطرات آتیه کی محفوظ خواهد داشت؟

اعلان

بشایع افتاد در ۱۰ شرطان در ستالون اگراند هتل پدمعرض نمایش گذاشته می شود محل فروش بلبط - اداره روزنامه سیاست - مطبعه بوسفور - مسازه کاشانی - مغازه مدیر صنایع - مغازه آذر با بجان تأسیسه قیمت بلبط از پنجاه تومان الی یکصد تومان است

اطلاع

بناظران لاسف از اینکه بواسطه قبول مخرج خدمت صبحی از چند ماه بانظر طرف موفق پذیرائی کامل از مرضی محترم خود نشد ام فعلا که وضعیت اشغال این جانب تا درجه در تحت انتظام آمده است اوقات پذیرائی از مراجع کنتیکان را ذیلا با اطلاع عموم میسراند صبح ها ر اول آفتاب الی ۳ ساعت قبل از ظهر عصر ها از دو تا هفت قبل از غروب الی مغرب یعنی لامکان مبتلایان به امراض مزمنه از قبیل سوزک و سفلیس عصر ها رجوع نمایند

بجور سن

قران ۴۹-۹۰ - لندن مکتوبی ۴۹-۹۰ - فرانکوفنی ۴۹-۹۰ - پاریس ۴۹-۹۰ - سوئیس ۴۹-۹۰ - نیویورک ۴۹-۹۰ - روئیه بمبئی ۳۳۴ - ۳۳۸

مطبعه بوسفور

اشراق خانهای متمول سفرائی خارجی و غیره اعطای آنجا را ترک نمی گنجد

از اخطا هزاران فرانک تعیین نمودند سفیر ایتالیا بیک مرتبه پنجاه هزار فرانک علاوه نمود و بولی یکی از متمولین فرانسه پراو سبقت چشمه باقره هزار فرانک دیگر اضافه کرد مختصر چون قیمت الماس به دو بیت هزار فرانک رسید که کم خریداران از میدان عقب نشستند و همینکه خوب حراج قیمت آن را دو بیت و پنجاه هزار فرانک تعیین نمود از خریداران دو نفر بیشتر نمازند که یکی از آنها (هرچمان) مالدار معروف و صاحب معادن طلا و دیگری کنتس (کرزون) متموله آمریکائی بود که از الماسها (کاکسبون) تربیت می داد حراج خوبی شکست خورد و قیمت هزار فرانک دو بیت و هشتاد هزار فرانک و هفتاد و پنج هزار فرانک دو بیت و هشتاد هزار فرانک و هفتاد و پنج خانم پاره بیکس علاوه نمیکند قیمت هزار فرانک مسبو (هرچمان) فریادزد : صد هزار فرانک آن لحظه سکوت فضا را استیلا کرد کنتس (کرزون) از جا برخاسته لبم می کرد و با آن اضطراب خود را ممتور نمود سپس به دست صندلی نیکه کرده و دقیقه نمایش چنان را کمی خواستند نتیجه طریقت او و (هرچمان) را که

آن را از رویه است علاوه کلبه مردم بخود میبندند قاتل کسارون [دو ترک] از قتل او چه نتیجه برده است؟

هنگام وراثت بارون (دورک) فقط در فکر استفاده بودند و طولی نکشید که اموال آن مرحوم در خانه مسکونی خودش به معرض نمایش و فروش گذاشتند و انواع و اقسام اجناس و لوازم خانه در آن جا دیده می شد ولی در میانه آنها روی یک قطعه مخمل وزیر خراب بلوری (الماس آبی) چشم هزار خیره میبافت و دو نفر از این هم متحفظ و مراقب آن بودند

این الماس واقعا کرافیها و بی مانند بود رنگش مثل رنگ آب صافی بود که عکس آسمان لاجوردی در آن منعکس شده باشد همه کس آن را تعریف می کرد و گمانی که برای خرید به خانه بارون می آمدند در ضمن خوابگاه او را هم که در آن جا بقتل رسیده بود مشاهده کرده با تعجب به دیوارها و قالی خونین می نگریستند و متحیر بودند که قالی از کجا فرار برده است و بعضی از آن ها بوجود فف ها و راه های زیر زمینی قالی شده و با وحشت از آن جا بیرون می آمدند در خانه (دو ترک) هنگام غریبی بود از اطراف به آن جا هجوم آورده و برای خرید الماس بر یکدیگر سبقت می جستند صرف ها

قوی کرد و من همیشه آنرا در یکی از انگشتان دست چپش می دیدم

کانبمارد نزد یک جیم بارون رفته گفت : متاسفانه در انگشتان دست چپ از جزئیات حلقه طلا چیزی دیگری نیست

شارل مچمادا اظهار کرد: دست او را باز کنید چون ممکن است نیکین رو بداخل دست واقع شده باشد (کانبمارد) انگشتان مقبول را باز کرد نیکین انگشتر بدخل دست متوجه شده بود و الماس آبی رنگ معروف روی آن میبندختند (کانبمارد) زیرا لب گفت : عجیب حکایتی است منکه ابتدا از این مرموزات چیزی نفهمم (دو دوئی) گفت: بنا بر این امید دارم که دیگر دست از لوین بیچاره کشیده بپهوده او را بیدانم تا ازید (کانبمارد) لحظه فکر کرده اظهار داشت : در صورتی که من از این وقایع چیزی نمی فهمم البته نمیتوانم لوین را هم بی قصور بدانم

اشتیاقان اولیه بیدین منوال گذشت و ابتدا نتیجه ثابتی بدست نداد هیچکس نمی توانست حرکات (آگوانت) را به مقصود معین مربوط سازد همه در فکر بودند که قاتل موخرمانی بارون چگونه از الماس آبی کران بها غافل شده و

در هر مکانی وجود دارد (کانبمارد) متعبرانه گفت : آری اودر هر مکانی وجود دارد!

شعبو (دودوئی) اظهار کرد : چگونه میتوانم اوین را در این جناب قحیل بدانم در صورتیکه ایداجیزی از این خانه بیترقت نرفته و از کتف بارون و کتوهای میزش یک شاهی کبر نشسته و کتی پولهای طلا هم در زوی بجز بجای مانده است؟ (کانبمارد) گفت : این فریادهاست همه متعجب است ولی اگر با آن الماس بی مانند را فراموش فرموده اند همه پرسید : کدام الماس؟ همان الماس آبی رنگ همان الماس معروفی که از دستگاه سلطنتی فرانسه خارج شده به دوک (۱۰۰۰۰۰) اعطا کردید و بعد هم به (لوئیدل) واگذار شد و پس از مرگ (لوئیدل) هم بارون (دورک) آنرا خرید این ها خاطره های هستند که یک نفر پارسی پیری مانند من هیچوقت فراموش نمیکند

منتطق گفت : بنا بر این اگر واقعا الماس مذکور مفقود شده باشد آنچه مسبو (کانبمارد) می گوید صحیح است ... ولی آخر این الماس را در کجا باید جستجو کرد؟ شارل گفت : دست های بارون را ببندید چون هیچوقت این الماس را از انگشت خود دور